

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: اجتهاد و تقلید - ادامه آیات درباره حکومت سیاسی معصومین - شأن پیامبر و امام عندالله از منظر

ارادة و مشیت الهی

جلسه پنجاه و چهارم 99/11/11

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین
الحمد لله والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسیما على مولانا بقية الله واللعن
الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

اینکه جبرئیل بعد از شهادت حضرت رسول اکرم، با اخبار انقلاب اسلامی، حضرت زهرا را تسلی می‌دادند،
چقدر صحت دارد؟

پاسخ:

بینید بعضی افراد توجیحات و تأویلاتی دارند و حرف‌هایی می‌زنند که برداشت‌های شخصی خودشان
است. «حضرت امام رضوان الله تعالی علیه» تعبیری دارد که بالاترین فضیلت حضرت زهرا (سلام الله علیها)
این بود که جبرئیل بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فقط برای حضرت زهرا (سلام الله
علیها) نازل می‌شد و از اخبار آینده خبر می‌داد.

حال اخبار آینده همه چیز را شامل می‌شود، شاید یکی از اخبار آینده، قضیه‌ی انقلاب اسلامی و نشر معارف
اهل بیت در کل جهان باشد.

پرسش:

استاد! ممکن است در مورد توسل به مردگان طبق کتب اهل سنت و وهابیت جوابی بفرمایید؟

پاسخ:

در رابطه با توسل به مردگان، در حقیقت اجماع میان شیعه و سنی است؛ یعنی چیزی نیست که ما بخواهیم اختصاصاً روی آن کار کنیم. تمام اهل سنت معتقد هستند که ائمه و انبیاء (علیهم السلام)، بعد از رحلتشان، در قبر هم زنده هستند.

حتی در کتاب «صحيح مسلم» به صراحت آمده است. ملاقات رسول اکرم با انبیاء (سلام الله عليهم اجمعين):

«مَرَزْتُ عَلَى مُوسَى لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عِنْدَ الْكُتَيْبِ الْأَحْمَرِ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ»

یا:

«مَرَزْتُ عَلَى مُوسَى وَهُوَ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ»

صحيح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج4، ص1845، ح2374 و 2375

همچنین کتاب «مسند احمد ابن حنبل» دارد:

«ما من أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ رُوحِي حَتَّى أُرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: 241، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج2، ص527

و همین نماز که ما می خوانیم:

«السلام عليك ايها النبي ورحمة الله و بركاته»

سلام خطاب می‌دهیم، اگر واقعا پیغمبر نمی‌شنوند، آنگاه سلام خطاب بی معنا می‌شود. شما ببینید «ابن تیمیه» در کتاب «مجموع فتاوی» جلد 24 می‌گوید:

«النبی صلی الله علیه وسلم وقف علی قلب بدر فقال (هل وجدتم ما وعدکم ربکم حقا) وقال (انهم لیسمعون الآن)...»

پیغمبر بعد از «جنگ بدر» آمد بر بالای چاه هایی که کفار قریش درون آن انداخته شده بودند و... گفتند آنها الان کلام مرا می‌شنوند...

«...وقد ثبت عنه في الصحيحين من غير وجه أنه كان يأمر بالسلام على أهل القبور...»

در صحیحین آمده که ایشان دستور می‌داد به اهل قبور سلام کنید...

«فهذا خطاب لهم وإنما يخاطب من يسمع...»

کسانی که می‌شنوند، مخاطب قرار می‌گیرند.

«...فهذه النصوص وأمثالها تبين أن الميت يسمع في الجملة كلام الحي»

کتب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة؛ اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: 728، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج24، ص363 و 364

اگر نمی‌شنود نمی‌توانیم بگوئیم:

«السلام عليك ايها النبي» يا: «السلام عليكم يا اهل القبور»

یکی از موضوعاتی که دوستان باید مفصلا روی آن کار کنند، بحث توسل است که یکی از اساسی‌ترین بحث‌های اختلافی میان شیعه و وهابیت امروز است. اگر هزار ساعت هم روی موضوع توسل وقت بگذارید باز کم است. بیش از هفتاد-هشتاد شبهه است، باید به تمام آنها جواب داده شود.

آغاز بحث...

یکی از آیاتی که حکومت سیاسی نبی مکرم را تثبیت می‌کند، آیه 25 سوره حدید است:

(تَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛

سوره حدید (57): آیه 25

ما پیامبران‌مان را با بیّنات فرستادیم، با کتاب و معیار برای تشخیص حق از باطل، **(لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)**؛ این: **(لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)** یعنی چی؟ یعنی پیغمبر می‌آید در میان مردم معارف دینی را آنچنان محکم و قوی مطرح و اجرا می‌کند که در جامعه عدالت و امنیت اجتماعی حاصل می‌شود.

جالب این است که: **(لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)**؛ نکته خیلی ظریفی دارد، دوستان دقت کنند: می‌گویند، خود مردم باید آنچنان شوند که خودشان همه مسائل امنیت اجتماعی را رعایت کنند و ظلم نکنند.

حال آیا این مطلب فقط با حرف و گفتار حاصل می‌شود؟

صرفاً با توصیه اخلاقی و نصیحت یا همراه با اقامه حدود و تعزیر و جریمه و زندانی کردن متخلف و ...؟

در روایت هم داریم، در «بصائر الدرجات» مرحوم «صفار» روایت از «محمد ابن یحیی عطار قمی» - ثقة - «احمد ابن محمد ابن عیسی» «رئیس قمیون» - ثقة - «احمد ابن محمد ابن ابی نصر» از اصحاب «اجماع» و از «مشایخ الثقات» است و همچنین «هشام ابن سالم» و «سعد» که ثقة هستند، از «ابی جعفر»:

«نَحْنُ عِنْدَهُ ثَمَانِيَةٌ رِجَالٌ... قُلْتُ يَا بَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَ مَا الْمِيزَانُ فَقَالَ إِنَّكَ قَدْ اِزْدَدْتَ قُوَّةً وَ نَظْرًا يَا سَعْدُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) الصَّخْرَةُ وَ نَحْنُ الْمِيزَانُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ فِي الْإِمَامِ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

پرسیدم میزان چیست؟ (حضرت فرمودند:) حضرت فرمودند تو نظر و دقت خوبی به کار بردی و سوال خوبی کردی.. میزان، ما هستیم در قول خداوند عالم است: (لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)؛

«قَالَ وَ مَنْ كَبَّرَ بَيْنَ يَدَيِ الْإِمَامِ وَ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ رِضْوَانَهُ الْأَكْبَرَ وَ مَنْ كَتَبَ اللَّهُ رِضْوَانَهُ الْأَكْبَرَ يَجِبُ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه واله وسلم) وَ الْمُزْسَلِينَ فِي دَارِ الْجَلَالِ فَقُلْتُ لَهُ وَ مَا دَارُ الْجَلَالِ قَالَ نَحْنُ الدَّارُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تِلْكَ الدَّارُ الْأَخْرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ فَنَحْنُ الْعَاقِبَةُ يَا سَعْدُ وَ أَمَّا مَوَدَّتْنَا لِلْمُتَّقِينَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ فَنَحْنُ جَلَالُ اللَّهِ وَ كَرَامَتُهُ الَّتِي أَكْرَمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِبَادَ بِطَاعَتِنَا»

خدای عالم بندگان را با طاعت ما تکریم کرده است.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم؛ نویسنده: صفار، محمد بن حسن، مصحح:

کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ج 1، ص 311

البته در روایت، مطالب برای توضیح دادن خیلی زیاد است مانند تعبیری که از امام صادق نقل شده:

«نَحْنُ وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»

نام کتاب: الشافي في شرح الكافي (للمولى خليل القزويني)؛ نویسنده: قزوینی، ملا خلیل بن غازی،

(تاریخ وفات مؤلف: 1089 ق)، محقق / مصحح: درایتی، محمد حسین، ناشر: دار الحديث، ایران؛

قم: 1429 ق / 1387 ش، ج 2، ص 401

تعبیری که از حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) نقل کردیم که خیلی عبارت سنگینی هم هست، عزیزان

این عبارت را خوب دقت کنند، خیلی عبارت مفیدی است:

«لأنهم وسائط بين الحق والخلق، وروابط بين الحضرة الوحدة المحضة والكثرة التفصيلية»

رابطه خلق نه فقط انسان، یعنی همان بحث خلقت خلایق از جبروتیان و کروبیان گرفته تا برسد به ناسوتیان ..

«وفي هذه الفقرة بيان وساطتهم بحسب أصل الوجود»

این‌ها واسطه در اصل وجود هستند.

مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية - السيد الخميني (1409 هجری) - ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی-ص 78

آنها واسطه در اصل وجود هستند همان تعبیری است که:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْمَشِيَّةَ بِنَفْسِهَا وَخَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ»

التوحيد (للسدوق)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، (وفات مؤلف: 381 ق)، محقق / مصحح: حسینی، هاشم، ناشر: جامعه مدرسین، ص 148

همان‌طور که نسبت به حضرت عیسی:

(أَنْتَ أَخْلَقْتَ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ)

من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم؛

سوره آل عمران (3): آیه 49

خدای عالم خلق یک پرنده‌ای را به حضرت عیسی داده؛ پس واگذار کردن خلق چیزی به انسان، در قرآن آمده و هیچ مشکلی ندارد، به یکی خلقت یک پرنده را می‌دهد، به یکی اذن خلق عالم وجود را، اصل وجود را قرار می‌دهد. خدای عالم که (نستجیر بالله)

(يَذُ اللَّهُ مَغْلُوبَةً)

سوره مائده (5): آیه 64

نیست. آنها واسطه اصل وجود هستند، و مظهر رحمتِ رحمانیت ، که مفیض اصل وجود است؛ یعنی اصل وجود «ما سیوی الله» بعد از خلقت ائمه توسط آنهاست همان طور که داریم:

«نَحْنُ صَنَائِعُ رَبَّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا»

ما مخلوق پروردگاران هستیم و خلق بعد از آن، بدست ما...

الغیبة (للطوسی)/ کتاب الغیبة للحجة؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، ناشر: دار المعارف

الإسلامیة، محقق/ مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، ص 285

در «نهج البلاغه» هم هست:

«فإِنَّا صَنَائِعُ رَبَّنَا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا»

نهج البلاغه (للصبحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص 385

کلمه «الناس» آمده، نه «المسلمین» .

بعد حضرت امام یک تعبیر خیلی مهمی اینجا دارد:

«بل بحسب مقام الولاية هم الرحمة الرحمانية»

اصلا مراد از رحمتِ رحمانیت اینها هستند.

«بل هم الاسم الأعظم الَّذي كان الرَّحْمَن الرَّحِيمُ تابعين له»

ائمه، اسم اعظم الهی هستند.

کلمه «رحمن» و «رحیم» از اسامی الهی است که تابع اسم اعظم هستند، عزیزان دقت کنند در رابطه با

اسماء الهی در فضای مجازی و بعضی از گروهها می بینیم خیلی بحث است، در رابطه با اینکه روایت داریم

خدای عالم اسمائی را آفریده است و توسط آن اسماء افراد دیگری آفریده است.

اسماء الهی بر سه نوع هستند، یک اسم ذات است دیگری اسماء صفات و یکی هم اسماء افعال. «اسم ذات» که می‌گویند «الحي» «القيوم» و بعضی «العليم» را هم اضافه می‌کنند، «حي، قيوم، العليم، القادر» این چهار تا را اسم ذات می‌گویند.

یعنی خدای عالم ذاتاً «حي»، «قيوم»، «عالم» و «قادر» است یعنی اینها هیچ جدایی از حق ندارند، جزء ذات الهی هستند.

یک سری اسماء افعال است مثل «خالق، رازق» و امثال اینها. در اسماء افعال الهی هم ائمه (علیهم السلام) در صدر اسماء افعال الهی هستند، ما می‌گوییم ائمه، اسم اعظم الهی هستند؛ یعنی اسم اعظم الهی در مرحله خلق، نه در مرحله ذات مثل «الحي القيوم، العالم قادر»، عزیزان دقت کنند که در بحث‌ها با پیچیدگی مواجه نشوند. اینجا حضرت می‌فرماید:

«تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ فَتَحْنُ جَلَالَ اللَّهِ وَ كَرَامَتَهُ أَكْرَمَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِبَادَ بِطَاعَتِنَا»

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم؛ نویسنده: صفار، محمد بن حسن، مصحح: کوجه باغی، محسن بن عباسعلی، ناشر: مکتبه آیه الله المرعشي النجفي، ج 1، ص 312

این مباحث به آنجا بر می‌گردد، بارها من گفته‌ام، ما باید در معرفت‌مان نسبت به ائمه (علیهم السلام) تجدید نظر کنیم و «زیارت جامعه کبیره» یا زیارت اول امام حسین (سلام الله علیه) {اول در مفاتیح}:

«إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 4، ص 577، بَابُ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام)، ج 2

بارها خدمت عزیزان این عبارت را عرض کردیم که تعبیر، تعبیر خیلی مهمی است.

یا «کامل الزیارات» و ... همه این عبارت را دارند «من لایحضره الفقیه» هم می‌گوید:

«أَصْحُ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرِّوَايَةِ وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كِفَايَةٌ»

من لا یحضره الفقیه؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 598

یا عبارت:

«قُلُوبُ الْأَئِمَّةِ مَوْرِدًا لِإِرَادَتِهِ»

تفسیر القمی؛ قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ناشر: دار الکتاب، ج 2، ص 409

«إِنَّ الْإِمَامَ وَكُنْزَ لِرَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 25، ص 385

«إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَلْبَ وَلِيِّهِ وَكُرًا لِإِرَادَتِهِ»

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 26، ص 256

«خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيَّةَ بِنَفْسِهَا ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ»

التوحيد (للسدوق)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، (وفات مؤلف: 381 ق)، محقق / مصحح: حسینی، هاشم، ناشر: جامعه مدرسین، ص 148

حضرت صادق هم فرمود:

«نحن مشية الله»

یا دارد:

«قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ»

الغبية (للطوسي)/ كتاب الغبية للحجة؛ نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، ناشر: دار المعارف الإسلامية، محقق/ مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، ص 247

اینها تعبیر بسیار خوب و سنگینی است که ما باید دقت کنیم. یا تعبیری که از بزرگان آوردیم، از مرحوم «غروی اصفهانی» که هم فقیه، هم اصولی، هم عارف و فیلسوف است :

لهم الولاية المعنوية والسلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية والتشريعية»

حاشیه کتاب مکاسب؛ تألیف: الشیخ محمد حسین الأصفهانی، تحقیق : الشیخ عباس محمد آل سباع، الطبعة : الأولى / 1418 هـ ق، الناشر : أنوار الهدی، المطبعة : علمية، ج 2، ص 379

نظیر ولایت الله تبارک و تعالی . «میرزای نائینی» که از فقهای نامی است، دارد:

«الولاية التكوينية التي هي عبارة عن تسخير المكونات تحت إرادتهم ومشيتهم بحول الله وقوته»

کتاب مکاسب والبيع؛ نویسنده : تقرير بحث النائيني للآملي (وفات: 1355) ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة؛ ج2، ص332

یا تعبیر مرحوم آقای «خوئی» که می فرماید:

«لهم الولاية التكوينية لما دون الخالق»

مصباح الفقاهة؛ نویسنده: السيد الخوئي (وفات : 1413)، تحقیق: جواد القيومي الأصفهاني

چاپخانه: العلمية – قم، ناشر: مكتبة الداوري – قم، ج3، ص280

به این عبارات دقت کنیم، وقتی سلامی به اهل بیت (علیهم السلام) می دهیم، یا به حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) سلام می دهیم، احساس کنیم که نه تنها آنها سلام ما را می شنوند بلکه جواب ما را هم

می‌دهند بلکه تمام گذشته و آینده و فعل ما عین حضور آنها است، نفس کشیدن، تمام حرکات و سکانات ما هم به اذن الله مخلوق این بزرگواران است.

(وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ)

خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می‌سازید!

سوره صافات (37): آیه 96

به هر حال

در این روایت دارد که مراد از: (لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)؛ مراد از (الناس)، ائمه (علیهم السلام) هستند.

آیه دوم در سوره ص آیه 26 است:

(يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ)

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن،

سوره ص (38): آیه 26

اگر اینها ولایت سیاسی نداشته باشند و حکومت سیاسی‌شان از طرف خدای عالم نباشد **(فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ)**؛ از کجا می‌آید؟ **(إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً)**؛ و به دنبال آن، چون خلیفه هستید: **(فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ)**؛ حکومت **(بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ)** و اجرای عدالت در میان مردم و **(فَاحْكُم)** حکم کردن در میان مردم حال به معنای حکومت باشد یا قضاوت .

در رابطه با قضاوت و حکومت بعداً مطالبی می‌آوریم، هر کدام باشد در حقیقت اعطای خدای عالم به نبی خودش است. اینطور نیست که پیغمبر فقط مسئله طهارت و نجاست و حیض و نفاس را برای مردم بگوید و مردم اگر صلاح دیدند با پیغمبر بیعت کنند و بعد پیغمبر هم در میان مردم حدود و دیات و .. آن را اجرا کند.

بله، مادامی که مردم آمادگی نداشته باشند، این حکم الهی تحقق پیدا نمی‌کند، حکومت و ولایت انبیاء و ائمه الهی است، مردم بخواهند یا نخواهند (پیامبر و امام منصوب من قِبَلِ الله هستند) اگر مردم نخواستند و همکاری نکردند، پیغمبر و امام تکلیفی ندارند.

رسول اکرم 13 سال در «مکه» بودند ولی مردم نخواستند و حضرت هم حکومتی تشکیل ندادند، و اجرای عدالت هم نکردند، به «مدینه» که آمدند، مردم آمادگی داشتند و مقبولیتی برای اجرای احکام حکومت ایجاد شد، پیغمبر اعلام حکومت سیاسی کردند، حاکم معین کردند، استاندار معین کردند، قاضی معین کردند و امثال اینها که یک حاکم اسلامی باید انجام بدهد (حق الهی تشکیل حکومت بالفعل شد) اینها را به طور مفصل ان شاء الله عرض خواهیم کرد.

کارهای حکومتی که رسول اکرم در طول حدود 10 سال در «مدینه» انجام داده و همچنین در «مکه» بعد از فتح ، مثلا بلافاصله رسول اکرم از طرف خودشان حاکم و استاندار در «مکه» معین کردند، کاری نداشتند

که آیا مردم «مکه» بیعت می‌کنند یا نه، می‌خواهند یا نمی‌خواهند .

بعد پیامبر اکرم به «طائف» رفتند، «طائف» را فتح کردند و آنجا هم استاندار و حاکم معین کردند. به «یمن» حاکم و قاضی فرستادند. اینها از فروع حکومت سیاسی نبی مکرم است، که خدای عالم حق آن را به ایشان عنایت کرده و فقط شرط اجرای آن این است که زمینه باشد. الان هم حضرت ولی‌عصر (سلام الله علیه) چرا تشریف نمی‌آورند؟

یکی از آقایان حرف خیلی زیبایی می‌زند. می‌گوید امام زمان بنا نیست بیایند، ما باید بیاوریم، ما باید در جامعه کاری کنیم که مقبولیت و آمادگی ایجاد شود و زمینه‌اش را بسازیم، هر لحظه‌ای که جامعه مقبولیت حکومت عدل جهانی را داشته باشد قطعاً حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه) یک لحظه هم تأمل نخواهند کرد، ما باید کاری کنیم در جامعه مقبولیت آن حکومت عدل حضرت ولی‌عصر ایجاد شود.

در یکی از گروه ها، از قول یکی از فرماندهان و مسئولین رده بالا، اینطور می گفتند که الان نیروهای «اسرائیل» در سراسر «عربستان سعودی» منتشر شده‌اند و قبضه کرده‌اند، و آماده هستند که اگر امام دوازدهم در «مکه» ظهور کرد سریعاً با او مقابله کنند و او را نابود کنند!!

برای من خیلی جالب بود. سربازان و نظامیان اسرائیل آمدند در تمام شهرهای «عربستان سعودی» پخش شدند تا آن امام دوازدهمی که می‌گویند می‌آید از «مکه» ظهور می‌کند این‌ها سریع با او مقابله و مبارزه را آغاز کنند.

حتی خیلی‌ها معتقد هستند یکی از عللی که «آمریکا» در «خاورمیانه»، خیلی حضور فعال دارد و مخصوصاً نسبت به «عربستان» و ... وحشت «آمریکا» از ظهور حضرت ولی‌عصر (ارواحنا له الفداه) است. که البته ظهور حضرت ولی‌عصر بحث شیعه و سنی نیست بلکه فرا دینی است، هم «مسیحیت»، «یهودیت»، «بودائی‌ان» و هم دیگر اقوام و ملل که حکومت الهی را هم قبول ندارند در کتاب‌هایشان آمده که در آخر الزمان یک مرد و مصلحی می‌آید جهان را اصلاح می‌کند و حکومت عدل جهانی تشکیل می‌دهد.

ولذا همه منتظر هستند برخی هم با آن خیال باطل‌شان دنبال این هستند که اگر حضرت ولی‌عصر ظهور فرمود بتوانند با او مقابله کنند.

خدا ان شاء الله بر توفیقات عزیزان بیفزاید موفق و مؤید باشید و از همه عزیزان التماس دعا داریم، خدا حافظ همه عزیزان!

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»